

حزب کارگر و محافظه کار هر دو پایگاه‌های سنتی خود را از دست دادند

استارمر ماندنی است یا رفتنی؟



گزارش

حزب کارگر بریتانیا در انتخابات محلی روز پنجشنبه شکست سنگینی از حزب راست‌گرای اصلاح به رهبری نایجل فاراز متحمل شد. حزب کارگر به رهبری کی‌یر استارمر در پایگاه‌های سنتی خود در مناطق صنعتی پیشین در مرکز و شمال انگلستان و همچنین بخش‌هایی از لندن، با ریزش شدید آرا مواجه شد.

این حزب بیش از ۱۳۰۰ نماینده خود را در شوراهای محلی انگلستان از دست داد؛ شوراهایی که ساختارهای حکومت محلی هستند و بسیاری از خدمات محلی محله‌ها را ارائه می‌دهند. این حزب همچنین در انتخابات پارلمان محلی ولز، جایی که حزب کارگر برای یک قرن بر سیاست آن کشور تسلط داشت، شکست سنگینی متحمل شد و در نمایندگی خود در پارلمان اسکاتلند نیز عقبگرد داشت. این انتخابات که بزرگ‌ترین انتخابات از زمان به قدرت رسیدن کی‌یر استارمر در اواسط سال ۲۰۲۴ بود؛ نشان داد که نظام سنتی دو‌حزبی بریتانیا (کارگر و محافظه‌کار)

دچار فرورپاشی شده است؛ به‌طوری‌که حزب اصلاح بریتانیا بیشترین آرا را به دست آورد و احزاب سبز، محافظه‌کار، کارگر و لیبرال‌دموکرات‌ها در رده‌های بعدی قرار گرفتند.

استارمر فعلاً در قدرت باقی می‌ماند
استارمر روز جمعه تأکید کرد که هیچ قصدی برای کناره‌گیری ندارد. او قرار است روز چهارشنبه در «سخنرانی پادشاه» که مراسم رسمی آغاز جلسه پارلمان بریتانیا است، برنامه‌ای برای بازتنظیم رویکرد دولت خود ارائه دهد. او همچنین اعلام کرده که قصد دارد به مسیر خود ادامه دهد. او در مقاله‌ای در روزنامه گاردین که روز شنبه منتشر شد، گفت نتایج انتخابات «بسیار سخت» بوده و باید از آنها درس گرفت. با این حال، او این استدلال برخی نمایندگان پارلمان را رد کرد که برای بازسازی حزب کارگر، باید تلاش بیشتری برای بازگرداندن رأی‌دهندگان متعامل به جناح چپ به حزب سبزه‌روى آورده‌اند، آنچه ما دوست داریم. «در حالی که باید به پیام رأی‌دهندگان پاسخ بدهیم، این به معنای چرخش به راست یا چپ نیست، بلکه به

معنای ایجاد یک جنبش سیاسی گسترده است.» با وجود این، حتی در میان نزدیک‌ترین متحدان او نیز یک اجماع وجود دارد که هرچند استارمر در برخی سیاست‌ها موفق بوده و در مدیریت روابط با دونالد ترامپ و وضعیت بین‌المللی عملکرد نسبتاً خوبی داشته، اما دولت او دچار اشتباهات، عقب‌نشینی‌های (چرخش‌های سیاسی) زیادی شده است. به گزارش گاردین، در سطحی گسترده‌تر، بسیاری در حزب کارگر نگران هستند که استارمر قادر نیست به‌درستی با دورقیب اصلی مقابله کند: حزب اصلاح بریتانیا به رهبری نایجل فاراژ که پیشتر به‌خاطر نقش خود در هدایت رأی بریتانیا برای خروج از اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ شناخته می‌شود و همچنین حزب سبزه‌ها که تحت رهبری زک پولاستسکی که خود را «اگو-پوپولیست» می‌نامد، در نظرسنجی‌ها رشد قابل توجهی داشته است.

با این حال، برخی دیگر در حزب استدلال می‌کنند که تغییر نخست‌وزیر در میانه دوره حکومت، خود به همان اندازه برای رأی‌دهندگان آزاردهنده است. بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲ زمانی که حزب محافظه‌کار در قدرت بود،

چهار بار نخست‌وزیر خود را تغییر داد و در انتخابات بعدی با واکنش سنگینی از سوی رأی‌دهندگان مواجه شد. در انتخابات اخیر، محافظه‌کاران تحت رهبری جدید خود عملکرد ضعیفی داشتند. آنها بیش از ۵۰۰ کرسی شوراهای محلی را از دست دادند و در اسکاتلند و ولز نیز عقب‌نشینی کردند.

اختلاف در نظام دو حزبی

انتخابات روز پنجشنبه مربوط به شوراهای محلی در سراسر انگلستان و همچنین پارلمان‌های اسکاتلند و ولز بود؛ نهادهایی که مسئولیت برخی امور مانند آموزش و خدمات درمانی را برعهده دارند. اما در پایان انتخابات، تردیدی باقی نماند درباره اینکه رأی‌دهندگان چه نظری درباره نظام سیاسی دوحزبی جافتاده در بریتانیا دارند؛ نظامی متشکل از دو حزب اصلی کارگر و محافظه‌کار که زمانی توسط مارگارت تاچر رهبری می‌شد. این انتخابات واقعیتی جدید را در سیاست بریتانیا آشکار کرد: نوعی آشفتگی ایدئولوژیک.

به گزارش نیویورک تایمز، نتایج این انتخابات بازتابی از تحولات مشابه در جهان است؛ جایی که رشد جریان راست‌گرا با افول جریان‌های میانه همراه شده است. در آلمان و فرانسه، محبوبیت رهبران جریان اصلی کاهش یافته و همزمان حمایت از رقبای ملی‌گرا و راست‌گرا افزایش یافته است. در ایالات متحده نیز جنبش ماگا به رهبری دونالد ترامپ، جناح راست میانه جمهوری خواهان را تحت تأثیر قرار داده و دموکرات‌ها نیز با کاهش نفوذ مواجه شده‌اند.

اما برخلاف کشورهایی مانند آلمان و هلند که در آنها نظام رأی‌گیری تناسبی باعث شکل‌گیری دهه‌ها تجربه دولت‌های ائتلافی شده است، قوانین انتخاباتی در بیشتر بخش‌های بریتانیا به نامزدها اجازه می‌دهد تنها با کسب اکثریت نسبی آرا پیروز شوند. در انتخابات روز پنجشنبه، این به آن معنا بود که بسیاری از نامزدها با تنها ۳۰، ۲۵ یا حتی ۲۰ درصد آرا برنده اعلام شدند، زیرا رقبای آنها هر کدام آرای کمی کمتر کسب کرده بودند. با توجه به اینکه نظام سیاسی بریتانیا بر پایه «حزب حاکم» و «حزب مخالف» طراحی شده، پارلمان این کشور در طول دهه‌ها تجربه کمی از دولت‌های ائتلافی داشته است. از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون تنها یک دولت ائتلافی تشکیل شده است. حتی معماری نهادهای حکومتی این کشور نیز

به همین شکل است. در مجلس عوام، حزب نخست‌وزیر درست روبه‌روی حزبی می‌نشیند که دومین تعداد نمایندگان را دارد. هر چهارشنبه نیز نخست‌وزیر و رهبران حزب در جلسه‌ای به نام «پرسش‌های نخست‌وزیر» رودروری هم قرار می‌گیرند؛ جلسه‌ای که اغلب بسیار تند و پرتنش است. رابرت فورد، استاد علوم سیاسی دانشگاه منچستر می‌گوید: «شما با رأی‌هایی مواجه هستید که در جهات مختلف پراکنده شده‌اند و هیچ‌کس در فرهنگ سیاسی ما عادت ندارد با چنین وضعیتی برخورد کند.» او توضیح می‌دهد که نظام بریتانیا برای ساختار دوگانه طراحی شده است: حزب حاکم و حزب مخالف. او می‌گوید: «وقتی چهار یا پنج حزب وجود دارند که هرکدام سهم قابل توجهی از رأی دارند، این سیستم از هم می‌پاشد. همه چیز بسیار آشفته و گیج‌کننده می‌شود.»

به گزارش تایمز، آنچه امروز در بریتانیا اتفاق می‌دهد صرفاً زوایای قدرت میان دو حزب سنتی نیست، بلکه آغاز دوره‌ای طولانی از فرورپاشی نظم سیاسی قدیمی و شکل‌گیری فضای جدیدی

است که در آن چندین حزب مختلف برای کسب نفوذ رقابت خواهند کرد. در این میان، همزمان با سقوط محبوبیت حزب کارگر، حزب محافظه‌کار نیز با بحران مشابهی مواجه شده و همین خلأ سیاسی، فرصت کم‌سابقه‌ای را برای حزب اصلاح بریتانیا ایجاد کرده است.

با این حال، فعلاً این آشفتگی به شوراهای محلی در شهرها و مناطق مختلف انگلستان و همچنین به پارلمان‌های واگذارشده در اسکاتلند و ولز محدود است و هنوز به پارلمان بریتانیا در وست‌مینستر سرایت نکرده است. جایی که حزب اصلاح بریتانیا هنوز تنها ۸ کرسی از مجموع ۶۵۰ کرسی را در اختیار دارد. حزب کارگر، که در انتخابات روز پنجشنبه بیشترین میزان از دست دادن کرسی‌ها در یک انتخابات محلی را تجربه کرد، همچنان کنترل دولت مرکزی را در دست دارد و ۲۰۳ کرسی (معادل ۶۲ درصد کل کرسی‌ها) را حفظ کرده است.

با این حال، الگوی رأی‌گیری در انتخابات روز پنجشنبه، قوی‌ترین نشانه‌ها تا امروز است که تغییرات ممکن است به قلب حکومت بریتانیا نیز برسد.

نگرانی بروکسل از تغییر سیاسی در بریتانیا

اتحادیه اروپا نسبت به وضعیت سیاسی بریتانیا محتاط است. نظرسنجی‌های سراسری نشان می‌دهد حمایت از حزب کارگر اکنون به ۲۰ درصد سقوط کرده و در برخی نظرسنجی‌ها حتی پایین‌تر از محافظه‌کاران و حزب سبز قرار گرفته است. در مقابل، حزب رفرم یوکی با حدود ۲۵ درصد آرا در صدر قرار دارد. محبوبیت شخصی استارمر نیز به‌شدت کاهش یافته است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد تنها ۱۹ درصد رأی‌دهندگان عملکرد او را تأیید می‌کنند و میزان محبوبیت خالص او به منفی ۴۵ درصد رسیده است.

به گزارش یورونیوز، این وضعیت برای بروکسل اهمیت زیادی دارد؛ زیرا اتحادیه اروپا تمایلی ندارد وارد مذاکرات دشوار جدیدی با دولتی شود که ممکن است تحت فشار داخلی عقب‌نشینی کند یا خیلی زود سقوط کند.

یکی از دیپلمات‌های اروپایی گفته است: «هر توافق همچنان بلندمذاکره خواهد بود و اگر استارمر چند ماه دیگر از قدرت کنار برود، ما هم محتاط خواهیم بود که همه چیز را روی او شرط بندی نکنیم.»

نگارنی بزرگ‌تربرای اروپا آینده سیاسی بریتانیاست، چراکه حزب اصلاح از ابتدای سال ۲۰۲۵ در صدر نظرسنجی‌ها قرار دارد. اگرچه افکار عمومی بریتانیا نسبت به اتحادیه اروپا نوم‌ترشده، اما محتمل‌ترین نخست‌وزیر آینده نایجل فاراز است؛ سیاستمداری که پیش‌تر رهبری حزب برگزیت را برعهده داشت.

فاراژ وعده داده در صورت رسیدن به قدرت، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری علیه اتحادیه اروپا در پیش بگیرد و حتی توافق تجاری پسابزرگیت را دوباره مذاکره کند تا برخی حقوق شهروندان اروپاییی در بریتانیا لغو شود.



ازهم می‌باشد. آنچه در عوض پدیدار می‌شود، نوع متفاوتی از نظم بین‌المللی است؛ نظمی که نه با تسلط، بلکه با انکار متقابل تعریف می‌شود. در این جهان، قدرت‌های بزرگ نمی‌توانند به قدرتی اراده خود را تحمیل کنند و کشورهای کوچک‌تری می‌توانند با تکیه بر یک ضامن واحد، تأکید بیشتری بر توان قدرت منطقه‌ای خواهند داشت.

با این حال، این باید یک زنگ خطر باشد. به معنای فرورپاشی اتحادها نیست. اما به این معنی است که آنها تغییر خواهند کرد. متحدان پیشتر به دنبال ایجاد حفاظ خواهند بود، روابط امنیتی خود را متنوع خواهند کرد و به جای تکیه بر یک ضامن واحد، تأکید بیشتری بر توان قدرت منطقه‌ای خواهند داشت. از این نظر، جنگ ایران نه یک گسست، بلکه تسریع‌کننده روندی است که از قبل در جریان بوده است. عراق و افغانستان محدودیت‌های اشغال و رژیم چنج را آشکار کردند. ایران اکنون محدودیت‌های خود اجبار را آشکار می‌کند. همان‌طور که مونیکا تافت در مؤسسه کوئینسی استدلل می‌کند، سایر قدرت‌های کوچک‌تر برای محدود کردن مؤثر یک ابرقدرت به آبراه حیاتی مانند تنگه هرمز نیاز ندارند، شکل‌دهی

جهان

بدون روتوش



محمد محسن فایضی

کارشناس مسائل فلسطینی

تأثیر امنیتی آتش بس بر نگرش امنیتی اسرائیلی‌ها

وب‌سایت عبری گلوبز که یک مرجع اقتصادی در داخل سرزمین‌های اشغالی شناخته می‌شود، در تحلیلی برآمده از گفت‌وگو با رئیس مرکز مؤسسه دموکراسی اسرائیل (IDI) که مشهورترین و معتبرترین نظرسنجی‌های داخلی اسرائیل را منتشر می‌کند، به بررسی پیامدهای یک ماه‌آتش‌بس میان ایران و آمریکا پرداخته است.

دکتر لیشور یوخانی، مدیر تحقیقات مؤسسه دموکراسی اسرائیل می‌گوید: «نتایج نظرسنجی این مرکز نشان می‌دهد، اسرائیلی‌ها در حالت «انتظار برای چیزی نامشخص» به سر می‌برند و برخلاف دوره کوتاه پس از ۷ اکتبر که همبستگی بالایی وجود داشت، اکنون جو عمومی و سیاسی سرشار از تنش و اختلاف است. تنها چیزی که امروز به اجماع تبدیل شده، احساس «تفرقه و گسست» در جامعه اسرائیل است. « در این گزارش آمده است، نزدیک به ۶۰ درصد اسرائیلی‌ها نسبت به وضعیت امنیتی اسرائیل بدبین هستند و فقط ۳۹ درصد خوش‌بین‌اند که پایین‌ترین میزان در شش ماه گذشته است؛ آماري که تغییر معناداری با پیش از آتش‌بس در ذهنیت اسرائیلی‌ها را از امنیت‌شان نشان می‌دهد. گفتنی است، در نظرسنجی‌های دیگری هم نارضایتی از عدم وضعیت کنونی یعنی آتش‌بس در جامعه اسرائیلی به واسطه ابهام در میزان آسیب به توانمندی‌های موشکی و هسته‌ای ایران و عاقبت مذاکرات منتشر شده بود که برخی در همین ستون پیش‌تر مورد بررسی قرار گرفته‌اند که تأییدکننده نتایج این مرکز است.

در جمع بندی گزارش گلوبز آمده است: «اکثر مردم از وضعیت کنونی آتش‌بس رضایت ندارند و آن را «وضعیت خوب» نمی‌دانند.»

بخش دیگری از گزارش به رابطه آمریکا و اسرائیل پرداخته است. برخلاف برخی نظرسنجی‌ها و فضای اپوزیسیون کابینه نتانیاهو که بسیار پر عدم آزادی عمل اسرائیل در مقابل ترامپ در پرونده‌های ایران و لبنان گلایه و انتقاد می‌کنند، در این نظرسنجی تنها نیمی از اسرائیلی‌ها معتقدند که نفوذ تصمیمات آمریکا در این جنگ بیش از اسرائیل بوده است.

اما در مقابل نگرانی از افکارعمومی آمریکا در نگرش به اسرائیل کاملاً جدی است. ۷۲ درصد اسرائیلی‌ها از کاهش حمایت عمومی آمریکا از اسرائیل نگران هستند. این نگرانی در میان چپ‌ها ۹۰ درصد اما در راستگراها ۴۴ درصد است که باز درصد بسیار قابل توجه و هشدارآمیزی است. یوخانی این را نشانه درک گسترده حول از دست رفتن «خیابان آمریکا» می‌داند. در مجموع می‌توان هشدار گلوبز مبنی بر عدم اطمینان و تأثیرات امنیتی آتش‌بس یک ماه اخیر بر اسرائیل را حائزاهمیت و یک فرصت برای ایران دانست. تأکید بر «اسرائیل اول، آمریکا آخر» در دیپلماسی عمومی مقامات ایران در همین راستاست.

خبر

سند سیا ادعاهای ترامپ

در مورد ایران رارد کرد

سند فاش شده سازمان سیا و اظهارات مدیر سابق این سازمان نشان می‌دهد که ادعای رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر «فرورپاشی» اقتصاد ایران کاملاً اشتباه و فریبکاری بوده و بخش اعظم توان موشکی تهران به قوت خود باقی است. «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا مدعی شده که ایران در حال فرورپاشی است اما تحلیل جدید سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) روشن کرد که این ادعا اساساً واقعیت ندارد.

نشریه تایم در این باره گزارش داد که در هفته‌های اخیر پیام‌های مکرری از دولت ترامپ مبنی بر پیروزی بر ایران منتشر شده است اما درز یک تحلیل سازمان سیا نشان می‌دهد که قضیه کاملاً برعکس است.

«جان هادسون» خبرنگار روزنامه واشنگتن پست درباره سند فاش شده سیا نوشت: یک تحلیل محرمانه جدید سازمان سیا که در روزهای گذشته به سیاست‌گذاران ارائه شد، نتیجه می‌گیرد که ایران می‌تواند دست‌کم ۳ تا ۴ ماه محاصره دریایی را به راحتی تحمل کند و مشکلات اقتصادی شدیدتری نخواهد داشت، یافته‌ای که با کسانی که از فرورپاشی قریب‌الوقوع سخن می‌گویند، کاملاً در تضاد است. واشنگتن پست افزود: به گفته یک مقام آمریکایی، «اطلاعات ایالات متحده همچنین نشان می‌دهد که ایران حدود ۷۵ درصد از موجودی پرتابلگرهای متحرک قبل از جنگ و حدود ۷۰ درصد از ذخایر موشکی خود را حفظ کرده است. این کشور به علاوه توانست است تاسیسات ذخیره‌سازی زیرزمینی را بازبایی و موشک‌های آسیب‌دیده را تعمیر کند.»

هادسون در گزارش خود، دولت آمریکا را به دروغویی و به تصویر کشیدن موفقیت چشمگیر از این جنگ متهم کرده است.

نشریه تایم نیز در گزارشی به ارزیابی‌های اولیه اوریل جامعه اطلاعاتی ایالات متحده اشاره کرد که می‌گوید «بیش از نیمی از پرتابلگرهای موشک ایران هنوز دست نخورده هستند و تهران هزاران پهپاد تهاجمی در زرادخانه خود دارد.» جان برنان، مدیر سابق سیا درباره سند جدید سیا تأکید کرد که از نظر او، ارزیابی سیا مبنی بر اینکه اقتصاد ایران می‌تواند تا ماه‌ها در برابر محاصره مقاومت کند، کاملاً درست است. او گفت: «من فکرمی‌کنم انگیزه کسانی که این تحلیل را فاش کرده‌اند، این است که افرادی وجود دارند که واقعاً نگرانند ادامه این جنگ در راستای منافع ملی آمریکا نیست و به دیگران بفهماند که ادامه فشار بر ایران آنها را به زانو درنمی‌آورد و حتی سبب شده است مردم این کشور به دلیل حمله یک قدرت خارجی و کشتار تعداد زیادی از غیر نظامیان متحد شده و وفاداری‌شان به نظام را به نمایش بگذارند. مدیر سابق سیا درباره ارزیابی واشنگتن پست مبنی بر اینکه بخش اعظم قدرت موشکی ایران برخلاف ادعای دولت آمریکا همچنان بوقی مانده است، اظهار کرد: «همان‌طور که می‌دانید ترامپ همواره تلاش می‌کند عملکرد دولت را طور دیگری نشان دهد. در اینجا نیز ارزیابی واشنگتن پست کاملاً خلاف حرف‌های دولت است.»